شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

۵شنبه

سال پانزدهم
۲ آذر ۱۴۰۲
۹ جمادی‌الاولی ۱۴۴۵
شماره ۴۰۹۱

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
● سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
به اطلاع مخاطبان محترم روزنامه شهرآرا می‌رساند، به زودی شماره‌های تماس با این مؤسسه اعلام خواهد شد.

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای



دمای هوای مشهد
رطوبت هوا ۴۲٪
۷° ↓ ۱۶° ↑
صبح ۵ | ظهر ۱۳
عصر ۱۲ | شب ۱۰

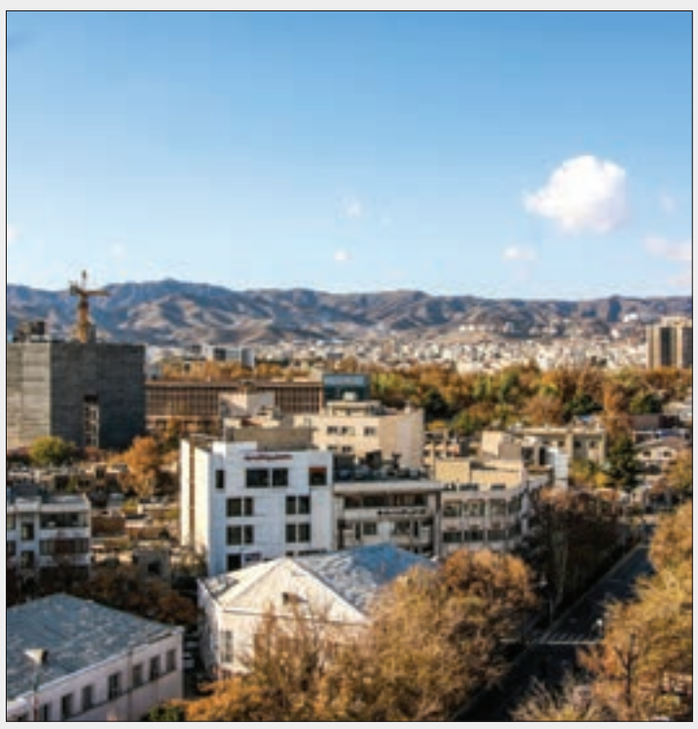
اوقات شرعی مشهد
اذان ظهر ۱۱:۱۷:۵۱ | نیمه شب شرعی ۲۲:۳۳:۳۶
غروب آفتاب ۱۶:۱۹:۱۴ | اذان صبح فردا ۰۴:۴۷:۵۷
اذان مغرب ۱۶:۳۹:۰۴ | طلوع آفتاب فردا ۰۶:۱۶:۲۸



شهید
جلال فعال صنعتی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۲/۱
تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۷/۲
محل تولد: مشهد

عکس روز



هوای مشهد پاک شد

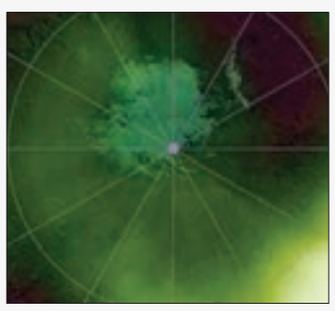
هوای مشهد پس از چند روز آلودگی که تعطیلی مدارس را در پی داشت، پاک شد. شاخص کیفیت هوای مشهد با کاهش چشمگیر حجم آلاینده ها در نخستین روز آذر ۱۴۰۲ در وضعیت پاک قرار گرفت.

برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.

عکس: حدیث فقیری/شهرآرا

جوروواجور

آسمان سبز مریخ!



برای نخستین بار دانشمندان در مریخ با پدیده شب درخش روبه روشده وآسمان مریخ را به رنگ سبز تماشا کرده اند.
با اینکه شب درخش شباهت هایی به نورهای شمالی یا شفق قطبی زمین دارد، پدیده ای با علت های متفاوت است. شب درخش معمولا زمانی رخ می دهد که دو اتم اکسیژن برای تشکیل یک مولکول اکسیژن با یکدیگر ترکیب شوند. روی مریخ این اتفاق در ارتفاع پنجاه کیلومتری رخ می دهد. در مقابل، شفق قطبی زمانی رخ می دهد که ذرات باردار خورشید با میدان مغناطیسی زمین برخورد کنند.

برای مطالعه جزئیات بیشتر کد را اسکن کنید.

اول شخص

درویش، هنرور زمان بود

یادی از غلامحسین درویش، موسیقی دان و نوازنده تار که در آذر سال ۱۳۰۵ به عنوان اولین قربانی تصادفات رانندگی در ایران درگذشت



آزاده چشمه سنگی
نویسنده

روزی که پای غلامحسین درویش به دارودسته موزیکچی های دربار ناصرالدین شاه باز شد، نوجوان کم تجربه ای بود که از موسیقی و سازها، طبل و شیپور را بهتر از بقیه می دانست. هرچند کودکی اش را به لطف آموزه های پدرش حاجی بشیر، با نوای خوش تار سپری کرده بود، اما وقتی به مدرسه دارالفنون رفت، سازهای نظامی را به سلیقه آلفرد لومر فرانسوی یادگرفت. نوازنده های دربار اما بیش از آلات نظامی، از سازهای سنتی ایرانی استفاده می کردند. این بود که پس از مدتی، زبانه های شوق به تار را در دلش شعله وردید. پس به پیشنهاد پدرش، سه تاری تهیه و مدتی نزد او تمرین کرد، اما در ادامه، برای تکمیل مهارت هایش، هنرجوی آقاحسینقلی، از نوازندگان معروف قاجار شد. مدت زیادی نگذشت که در زمره بهترین شاگردان استاد درآمد. در میانه یکی از مجالس هنرنمایی نوازندگان بود که حسینقلی خان از استعداد پوشیده غلامحسین رونمایی کرد.
نوازندگی غلامحسین نیز در همان نوبت به چشم شاه آمد تا آنجا که پس از مرگ ناصرالدین شاه، در زمره کاروانی قرار گرفت که ولیعهد را به شیراز و ایالت فارس همراهی می کردند. مقصدی که او را علاوه برزندگی در دل دربار، با همسر آینده اش نیز آشنا کرد. اما مستمری دربار کفاف زندگی مشترک او را نمی داد. پس تصمیم گرفت به فرزندان تعدادی از درباریان نیز به شکل مخفیانه تار نواختن بیاموزد.



هنگامی که به تهران برگشت نیز این کار را ادامه داد و به طور رسمی به نخستین کسی تبدیل شد که تدریس خصوصی ساز را در میان عموم جامعه مرسوم کرد. نبوغ غلامحسین درویش، مسبب خلق فرم هایی تازه در موسیقی سنتی ایرانی از جمله ابداع درآمد شد. فرم غالب اجراها در روزگار پیش از او، برمبنای احساس بود. نوازنده می نواخت و خواننده می خواند. همه چیز یک نواخت پیش می رفت و زمان تصنیف ها کوتاه بود.
درویش خان اما در طول دوران تحصیل خود در دارالفنون دریافته بود می تواند با وام گرفتن از موسیقی اروپایی و تلفیق آن با قواعد موسیقی سنتی، به خلق ضرب آهنگ های تازه ای بپردازد که علاوه بر پایه های اصولی و محکم، به آفرینش قطعات تازه ای منجر می شد که می توانست اقشار عمومی جامعه را نیز با موسیقی همراه کند. درویش خان، پس از آنکه رهبری ارکستر گروه «اخوان الصفا» را عهده دار شد، علاوه بر مردمی کردن موسیقی در میان ایرانیان، به تولید پیش درآمدهایی پرداخت که زمان اجرای قطعات را برای ارکستر، طولانی تر و فضای احساسی اثر را برای ورود به قسمت اصلی آن، آماده می کرد.
درویش خان علاوه بر تربیت شاگردان موفق و محبوبی چون ابوالحسین صبا و مرتضی نی داوود، به برگزاری اجراهای عام المنفعه نیز شهرت داشت. برگزاری کنسرت برای جمع آوری اعانه برای کمک به قحطی زدگان، ایجاد مدرسه فرهنگ، کمک به حریق زدگان آمل، بازسازی خرابی های آتش سوزی بازار و کمک به غارت شدگان تبریز، تنها گوشه ای از یاری او به نیازمندان و بلادیدگان زمانه اش بود. تأثیر ماندگار او در تاریخ موسیقی ایران به جاودانگی یک نام محدود نشد و صفحاتی از اجراهای او به یادگار مانده که طی دو سفر دشوار به خارج از ایران، بر روی صفحات گرامافون ضبط شد.
اولین بار به لندن رفت تا در جشنواره ای که به همین منظور، بسیاری نوازندگان را از نقاط گوناگون جهان دعوت کرده بود شرکت کند و بار دوم به تفلیس رفت و هنر خود را برای نسل های پس از خود به جا گذاشت. تصنیف های محبوب و معروف ایرانی از جمله «ز من نگارم» و «بهار دلکش» از جمله آثار اوست که بارها از سوی خوانندگان برجسته معاصر بازخوانی شده است.
درویش خان اما در اوج سال های فعالیت خود در عرصه موسیقی، تنها ۵۴ سال داشت که به عنوان نخستین قربانی سوانح رانندگی در ایران، جان خود را از دست داد.
برخورد درشکه حامل او با یک دستگاه خودرو فورد منجر به واژگونی درشکه، تلف شدن اسب ها و پرتاب او به بیرون از کالسکه شد که پس از ضربه مغزی و پنج روز اغما، سرانجام در ۲ آذر سال ۱۳۰۵ از دنیا رفت و در امام زاده قاسمِ ظهیرالدوله به خاک سپرده شد و جامعه هنری زمانه اش را به شوکی عمیق فروبرد. چنان که برروی سنگ مزار، سروده ای در مدح درویش خان حکاکی شده است: «درویش اگر از این جهان رفت/ مشنو که فقیر و ناتوان رفت// درویش، هنرور زمان بود/ استاد هنرور زمان رفت»

سیم ششم

تا پیش از درویش خان ساز تار دارای پنج سیم بود. سیم های سفید و زرد هر کدام جفت بودند به جز سیم بم که به صورت تک سیم بود. درویش خان اما با افزودن یک سیم جفت سیم بم، توانست دریچه جدیدی از این ساز را به روی نوازندگان باز کند. قابلیت کوک های جدید و نو برای تار، حاصل این اختراع بود. از آن پس تا به امروز این ساز دارای شش سیم است و تار پنج سیم برای همیشه به تاریخ پیوست. بهرام عظیمی نیز در انیمیشنی کوتاه با عنوان «سیم ششم» علاوه بر ادای احترام به این شخصیت برجسته موسیقی، روایتی کوتاه از زندگی، ابداع سیم ششم و صحنه تصادف او ارائه کرده است.



برای تماشای بخشی از انیمیشن «سیم ششم» کد را اسکن کنید.

حکایت

هر که با داناتر از خود بحث کند تا بداند که داناست، بداند که نادان است.

چون در آید مِه از تویی به سخن گر چه به دانی، اعتراض مکن

گلستان / باب هشتم

در اهمیت دانایی



شوخی بی‌شوخی

تا روز مرگت کار می کن مگو چیست کار



مهدی محمدی
طنزپرداز

همان طور که حتما در جریان هستید سن بازنشستگی افزایش یافته است، بدین ترتیب که مثلا کسانی که سال ۱۴۰۳ استخدام دولت می شوند، بعد از ۳۵ سال بازنشسته خواهند شد.

خلاصه اوضاع به صورتی پیش می رود که آدم به محض بازنشستگی اش به جای اینکه از این شهر به آن شهر برود، می تواند از این دنیا به آن دنیا برود.
البته خیلی هم بد نیست. با قانون جدید، بازنشستگان به جای اینکه بروند توی پارک شطرنج بازی کنند یا سر صبح استیکرِ صبحت به خیر و دلت شاد، توی گروه های خانوادگی بفرستند، می روند اداره سرکار. نهایتش هم این است که سرعت وانرژی سال های اول خدمت را ندارند و به جای اینکه به ارباب رجوع بگویند: «امروز برو فردا بیا»، می گویند: «امروز برو پس فردا بیا!»
نگران جوان گرایی هم نباید بود، چون همین قدر که دلشان جوان باشد کافی است.
یک خوبی دیگر قانون جدید این است که آدم پول کمتری صرف قند و چای می کند و همانجا توی اداره چای می خورد که با این گرانی قند و چای، کمک شایانی است به اقتصاد خانوار.
البته در مقابل این قانون مدبرانه و متفکرانه، بعضی ها هستند که دارند بهانه می گیرند و می گویند: اصلا چرا این افزایش سن بازنشستگی، این قدر زود تصویب شد؟ به نظر ما که این ها در هر صورت دنبال بهانه اند. اگر شما از زود تصویب شدن ناراحت هستید چرا از دیر تصویب شدن افزایش دستمزد کارگران هم ناراحت هستید؟
پس دیر تصویب شدن یا زود تصویب شدن مشکل شما نیست و فقط دوست دارید بهانه بگیرید.
شاید بعضی با خودشان بگویند که با افزایش سن بازنشستگی ممکن است کارمند به سنی برسد که راهی خانه سالمندان شود که البته آن هم ایراد ندارد. می شود با اداره هماهنگ کرد تا کارمندی که اکنون سالمند هم هست، از همان جا دورکاری کند.
البته یک راه بهتر هم هست. می شود سن بازنشستگی را صد سال اعلام کرد تا فرد آن قدر در گیر کار شود که یادشان برود بمیرد و به این ترتیب میانگین عمر مردم به صد سال افزایش یابد.